

دکتر علی قائمی

# تربیت در نهج البلاغه



دامنه اهداف تربیت، وسیع و از جهات مختلف قابل دسته‌بندی است. آنچه در بحث مربوط به نهج البلاغه مورد دسته‌بندی قرار داده‌ایم بدین قرار است: اهداف تربیت در ارتباط با خود، با خدا، با انسان‌ها، با پدیده‌ها، با دنیا، با زندگی و با آخرت، و نیز اهداف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.

در سلسله مباحثی که در پی خواهد آمد ما فقط به یک بحث از اهداف می‌پردازیم و آن اهداف تربیت در زندگی انسان است و طبیعی است که محتوای بحث را از نهج البلاغه اخذ و ارائه می‌کنیم.

## معرفی زندگی

پیش از هر چیز به بیان این نکته پردازیم که زندگی چیست؟ پاسخ این سؤال از نظر صاحبان مکاتب و فلسفه‌ها متفاوت است. آنچه اسلام

## زندگی و اساس آن

### مقدمه

گفتیم که از مباحث مهم تربیت، بحث هدف است. تربیت امری آگاهانه و هدفدار و مانند همه امور و پدیده‌های مربوط به آفرینش است. می‌دانیم که در دید و بینش اسلامی آفرینش امری هدفدار است و خداوند پدیده‌ها را بازچه نیافرید. انسان نیز که اعظم آفریده‌های الهی و کامل‌ترین آن‌هاست بی‌هوده آفریده نشد<sup>۱</sup> و طبعاً تربیت که زمینه‌ساز رشد و شکوفایی و کمال انسانی است دارای هدف خواهد بود.



اَللّٰهُمَّ اَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ سَمِعَ مَقَالَاتِنَا الْعَادِلَةَ فَخَيَّرَ  
الْجَائِزَةَ وَ الْمُصْلِحَةَ فَخَيَّرَ الْمَفْسِدَةَ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا،  
فَاَيُّ بَعْدَ سَمْعِهِ لَهَا اِلَّا التَّكْوِيْنُ عَنْ نَصْرَتِكَ... اَنْتَ  
بَعْدَهُ الْمَغْنِيُّ عَنْ نَصْرِهِ وَ الْاَحْذَلُ لَهُ بِدُنْيِهِ ۳.

بار خدایا آن کس که به رغم شنیدن گفتار  
عادلانه ما آهنگ اصلاح دین و دنیا دارد و کمترین  
شایبه فسادى در آن نباشد، بی‌اعتنا ماند و از یاری  
تو روی برتابد... این تویی که از یاری چون آویی  
بی نیازی مان می‌بخشی و او را به گناهش می‌گیری.

### نظام‌داری زندگی

در بینش امام امیرالمؤمنین زندگی انسان در  
جهان هستی باید دارای نظامی باشد، آن چنان که  
هستی نظام‌دار است. ضوابط و سستی باید برآن  
حاکم باشد، هم چنان که بر جهان پدیده‌ها حاکم  
است و در آن تخلف و بی‌قاعدگی نیست. همه  
چیز جهان تابع نظامی است و همه امور و مسائل  
مربوط به انسان نیز بر همان اساس تنظیم و ابلاغ  
شده است. به این عبارت از نهج‌البلاغه عنایت  
کنیم:

در این باره می‌گوید این است که زندگی یک وظیفه  
و یک تکلیف مسؤولانه است؛ وظیفه‌ای که از  
جانب آفریدگار خالق و مالک و مدبّر هستی برای  
بشر معین شده و آدمی موظف به تحمّل آن است.  
حق این است که آدمی موجودی متعهد و  
مکلف و دارای بار امانت است، همان امانتی که  
آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از قبول آن سرباز زدند و  
آدمی پذیرای آن گشته است. آنچه برای زندگی  
انسان در همه مراحل عمر مهم است این است که  
آدمی وظایف و تعهداتش را در زندگی بشناسد و  
آن را بر طبق دستور و بر اساس برنامه به وجهی  
نیکو انجام دهد. پیامبران الهی و پس از آنان  
جانشینان و خلفای بر حق ایشان وظایف آدمی را  
به او ابلاغ می‌کنند. همه گاه عقوبت و کیفر از آن  
کسی است که وظیفه‌اش را به او گوشزد کنند و او  
در ادای آن اهمال ورزد.

امام امیرالمؤمنین، در شکایت از اصحاب خود  
که در جنگ با اهل شام سستی ورزیده و وظیفه  
خود را انجام نداده بودند فرمود:

- أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ: ای بسندگان خدا، من تقوای خداوندی را به شما توصیه می‌کنم.  
- الَّذِي صَرَبَ لَكُمْ الْأَمْثَالَ: که برایتان مثل‌ها و نمونه‌ها آورد.

وَوَقَّتْ لَكُمْ الْأَجَالَ: و اجل‌ها را برایتان رقم زد.  
- وَالْبَسْتَكُمْ الرِّيَاشَ: جسامه‌های مناسب را تن‌پوشتان ساخت.

- وَ أَرْفَعَ لَكُمْ أَلْتَمَاشَ: و زندگی‌تان را نظام بخشید و بر کشید.

- وَ أَحَاطَ بِكُمْ الْأَخْصَاةَ: و با آماری دقیق بر عملکردتان احاطه یافت.

- وَ دَارِ حَبْرَةَ: و سرای عبرت‌آموزی.  
- أَنْتُمْ مُخْتَبِرُونَ فِيهَا: که ارزشیابی را جایگاه است.  
- وَمُحَاسِبُونَ حَلَّتْهَا: ۱ و حسابرسی آینده‌تان را پایه و اساسی.

### هدفداری زندگی

گفتیم آفرینش با تمام وجوهش امری هدفدار است. انسان به عنوان بخشی از آفرینش نیز هدفدار است و عبث آفریده نشده است. امام در سخنی فرمود:

ای مردم از خدای بترسید که آدمی را عبث نیافرید تاخود را به چیزی بیهوده سرگرم دارد. أَتَيْهَا النَّاسُ إِتْقُوا اللَّهَ - فَمَا خَلِقَ امْرَأَةً حَبْتًا فَيَلْهَوْهُ<sup>۵</sup> در



عرصه هدفداری زندگی و واداشتن بشر به انجام وظیفه عبادی‌اش پیامبران را فرستاد و کتاب و دستورالعمل مقرر فرمود و آسمان و زمین و آنچه در بین این دوست باطل و بی‌حساب نیافرید. وَلَمْ يُرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ وَلَمْ يَنْزِلِ الْكُتُبَ لِلْعِبَادِ حَبْتًا وَلَا خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا. ۶ و آن گاه به این آیه قرآن استناد کرد: ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا - فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ. ۷ این پندار کسان است که کفر می‌ورزند و وای بر آنان که کافرند از آتش دوزخ.

او هدف زندگی را بسی فراسر از آن دانسته است که آدمی آن را در خور و خوراک خلاصه

- وَ أَرْصَدَ لَكُمْ الْجَزَاءَ: و جزای فراخورتان را در کمین نهاد.

- وَ أَفْرَكَكُمْ بِالْأَمْتِمِ السَّوَابِغِ: و شما را امتیاز بخشید با نعمت‌های فراگیر،

- وَ الرَّفْدِ الرُّوَابِغِ: و دهش‌های خلق گستر.  
- وَ أَنْذَرَكُمْ بِالْحَجَجِ الْبَوَالِغِ: و با برهان رسا و

گویا هشدارتان داد.  
- فَأَخْصَاكُمْ حُدُودًا: پس شمارتان را آمار گرفت.

- وَ وَظَّفَ لَكُمْ مَدَدًا: و پیمانانه‌هایی از عمر را ویژه هر کدامتان ساخت،

- فِي قَرَارِ حَبْرَةَ: در قرارگاه زمین که جایگاه آزمون است،

بیند و از مقصد برتر و الایی که برای او در نظر گرفته شده غافل ماند. در نامه خود به عثمان بن حنیف والی بصره می نویسد:

فَمَا خُلِفْتُ لِيَسْتَقْلَىٰ أَكُلَ الْعَلِيَّاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلْفُهَا... وَ تَلَهُوْهُمَا يَرَادُ بِهَا أَوْ أَتَرَكَ سُدِّي أَوْ أَهْمَلَ هَابِتًا...<sup>۸</sup> فلسفه آفرینش من نه آن است که خوردن غذاهای خوب و لذیذ مشغولم دارد، چونان حیوان به آخور بسته ای که او را اندیشه ای جز از علف نباشد... و نه آن که بی هدف رها شوم و عمرم را به پوچی بگذرانم. یا به ریسمان گمراهی گردن سپارم و یا راه سرگردانی ببیمایم. آدمی را در نهایت فرجامی و یا غایبی باید، و بدان سوی حرکت کنید. **إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَاَتَتْهُوا إِلَىٰ نَهَائِكُمْ**<sup>۹</sup>

### بنای زندگی

بنای زندگی از دید امام امیرالمؤمنین بر ارکانی استوار است که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

۱- بر تفکر و اندیشیدن: راه پیچیده و ناهموار زندگی را به سلامت نمی توان طی کرد جز آن گاه که آدمی در آن نیکو بیندیشد، و از آن عبرت گیرد و در سایه آن عبرت اندوزی به بصیرت و بینش رسد. **وَحِمَّ اللَّهُ اِمْرًا تَفَكَّرَ فَاهْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَاَبْصَرَ**<sup>۱۰</sup>

اما این که آدمی به چه چیز باید بیندیشد؟ پاسخ روشن است: تفکر درباره همه آنچه در زندگی مورد عنایت است و آدمی را برای گذران آن به کار آید. **وَافْضُرْ رَأْيَكَ عَلَىٰ مَايَعْنِيكَ**<sup>۱۱</sup>

۲- بر تلاش و جهاد: آری، بنای زندگی موفق و سعادت‌مندانه بر تلاش و کوشش استوار است. این تلاش باید در خط توشه‌سازی و آمادگی برای وصول به مرحله رشد، گام‌برداری در جهت سیر به سوی سرای واپسین و در نهایت وصول به

مقصدی باشد که خدای آن را برای بشر خواسته است. گذران زندگی معقول اصولاً در یکی از سه خط زیر است:

**مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٌ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِي فَتْرٍ مُّحَرَّمٍ**<sup>۱۲</sup> خردمند را نریزد که جز در یکی از این سه به صحنه درآید: سامان دادن به زندگی و تلاش اقتصادی، برداشتن گامی در راه معاد، و گام نهادن در وادی لذتی بدون ارتکاب گناه.

در ترغیب به تلاش فرماید: **فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِحْتِمَادِ، وَالتَّاهِبِ وَاللَّاسْتِعْدَادِ، وَ التَّزَوُّدِ فِي مَنْزِلِ الزَّادِ**<sup>۱۳</sup> بر شما باد به سعی و کوشش در خط طاعت و بندگی، کسب آمادگی برای سفر آخرت، و توشه‌برداری در آن جا که جای توشه‌برگیری است. او آدمی را هشدار می‌دهد که مراقب باشد.

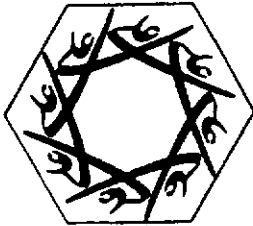
مبادا مرگ بر تو سر رسد و تو برای کسب دنیا از طاعت پروردگارت گریزان باشی. **وَإِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَ أَنْتَ أَبْيَنُ مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا**<sup>۱۴</sup>

البته اصل این است که تلاش در راه خدا و بر اساس خط ترسیمی از جانب او باشد. در تلاش هم باید متتهای جهد خود را مدنظر داشت و در این راه از سرزنش احدی نباید هراسید. **وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّامٍ**<sup>۱۵</sup>

۳- بر حق و تکلیف: بنای زندگی بر حق و تکلیف است، یعنی رعایت اصول بده و بستان. اصل بر اتکا و انس با حق است. امام فرماید: هیچ چیز مایه انس تو نباید باشد جز حق - و هیچ چیز نباید مایه رمندگی تو گردد جز باطل. **لَا يُؤَسِّتُكَ إِلَّا الْحَقُّ وَ لَا يُوحِشُكَ إِلَّا الْبَاطِلُ**<sup>۱۶</sup>

در زندگی انسان باید بنا را بر این نهاد: آدمی به چیزی قیام کند که خداوند او را بدان مکلف کرده است و حق همان است و پاداش در گرو آن است. **وَ قَوْمُوا بِمَا عَصَبَتْ بِكُمْ**<sup>۱۷</sup> و ممکن است او در این

گریبانتان را فرو نقرده است، تلاش را بیاغازید،  
و دست به کار برید. **الآن عباد الله والخائف مهمل**  
**والروح مرسَل، في فتنة الارشاد... ۲۳**



#### پی نوشت ها:

- ۱- و ما خلقنا السماء والارض و ما بينهما لالعین.
- ۲- افحسبتم انما خلقناكم عبثاً.
- ۳- خطبة ۲۰۳
- ۴- خطبة ۸۲، قسمت ۴
- ۵- قصار ۳۶۲
- ۶- قصار ۷۵
- ۷- سورة ص، آیه ۲۷
- ۸- نامه ۴۵، قسمت ۷
- ۹- خطبة ۱۷۵، قسمت ۱۲
- ۱۰- خطبة ۱۰۲
- ۱۱- نامه ۶۹
- ۱۲- قصار ۳۹۱
- ۱۳- خطبة ۲۲۱، قسمت ۶
- ۱۴- نامه ۶۹، قسمت ۸
- ۱۵- نامه ۳۱، قسمت ۸
- ۱۶- خطبة ۱۳۰، قسمت ۵
- ۱۷- خطبة ۲۴، قسمت ۳
- ۱۸- خطبة ۱۲
- ۱۹- قصار ۲۰
- ۲۰- همان
- ۲۱- نامه ۳۱
- ۲۲- خطبة ۸۲
- ۲۳- همان، آخر خطبه

تلاش موفق نباشد. برای او جای نگرانی و  
افسوسی نخواهد بود.

امام در جنگ جمل پیروزی به دست آورد.  
فردی به امام عرض کرد: ای کاش برادر ما نیز در  
این جا حاضر می بود و از این پیروزی شادمان  
می شد. امام پرسید: آیا میل برادرت هم در خط  
ماست؟ **أهوی أخیك مَعنا؟** پاسخ شنید آری. امام  
فرمود در چنان صورت او نیز به خاطر آن نیت،  
مأجور و چنان است که گویی با ما بوده است. **فَقَدْ**  
**شَهِدنا. ۱۸**

۴- بر اختتام از فرصت: بنای زندگی بر این اصل  
استوار است که آدمی از فرصت ها برای سعادت  
خویش بهره گیرد. به ویژه این که فرصت ها چون  
پاره های ابر درگذرند. **وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ.** ۱۹ و  
در نتیجه باید از فرصت های نیکو بهره گیرید -  
**فَأْتَهُمْ وَارْتَمُوا بِرِجَالِهِمُ مِنَ الْبُنُورِ. وَرَأَى السَّحَابَ وَرَأَى**  
**بَادِيَ الْبُنُورِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ غُصَّةً.** ۲۱ فرصت را  
دریاب پیش از آن که به غم مبدل شود.

او در سرزنش آن ها که از فرصت های موجود  
سود نمی جویند فرماید: مگر این از عافیت  
سرشاران، از فرود آمدن بیماری ها در امانند؟ مگر  
اینان که امروز در شادابی جوانی هستند، جز  
چروکیدگی پیری را در انتظارند؟ **فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ**  
**بِضَاغَةِ الشُّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ؟ ۲۲**

او در عبارتی دیگر فرماید: ای بندگان خدا، هم  
اینک که گلوها تان و نهاده، روح ها آزاد، زمینه  
هدایت فراهم، صحنه حضور و بدن ها آسوده، و  
فرصت باقی است و شما در اوج قدرت انتخابید،  
و فرصت بازگشت دارید، و در عین گناهکاری در  
فراخوانید، و هنوز در فشار و تنگنا قرار نگرفته اید،  
و هنگامه هول جان دادن پیش نیامده، آن موعود  
پنهان در نرسیده، آن توانای شکست ناپذیر،